

## ابن خلدون

### از نظر مستشرق روسی

ابن خلدون از بنیادگذاران جامعه‌شناسی است (۱).  
مستشرق روسی « بانوس. م. باتسینفا » کتابی بنام « اساسهای تاریخی  
اجتماعی از نظر ابن خلدون » تألیف نموده ، این کتاب بایک مقدمه و پنج  
فصل در ۲۲۲ صفحه بزبان روسی درمسکو چاپ شده است (۱۹۶۵ م) و خلاصه  
کتاب از ترجمه عربی آن اینک بفارسی نقل می‌شود :

عقیده تاریخی و اجتماعی ابن خلدون در کتاب « مقدمه » معروفش  
بحثی است که ازیک قرن ونیم پیش موضوع گفتگوها بود . با آنکه دراین  
زمینه بسیار چیز نوشته شده است ، کسی سر توصل ابن خلدون را بشرائط  
خاص زندگی و جهت‌های اقتصادی و اجتماعی وی آشکار ننمود .

---

۱- نگاه کنید بسلسله مقالات فلسفه تاریخ واجتماع بقلم مرتضی مدرسی  
چهاردهی در دوره‌های اول و دوم و سوم مجله ماهانه وحید این مقاله‌ها قریباً بصورت  
کتاب منتشر می‌شود .

ابن خلدون در بحث‌ها و درسهایش قوانینی از برای زندگانی اجتماعی معین کرده رویهمرفته دانش نوینی را بوجود آورده است .

زیرا او تاریخ را از جهت داخلی و خارجی مورد توجه قرار داده حوادث و وقایع را از جنبه درونی تاریخ مطالعه کرده است ، این علم تازه‌ای است در شناسائی وقایع تاریخی ، تتبع علل تحول و تطور که جهت خارجی آن است ، موضوع علم تاریخی تازه عبارت است از تاریخ داخلی آن که در مورد عمران و آبادانی باشد .

یعنی زندگی اجتماعی مردم در شمارش قوای مثبتی که مردم را در يك جهت اجتماعی قرار می‌دهد .

ابن خلدون پیرو عقیده ارسطو است که می‌گوید :

انسان اجتماعی « مدنی » خلق شده مگر اینکه باتمام قوا عقایدی که پیشروان دانشمندان سیاست و اجتماع که بمداز آنان در قرون وسطی آمده‌اند رد می‌کنند ، هر گاه انسان اجتماعی خلقت یافته ، این جهت خلقت روحانی و نفسانی او نیست که برای نیکبختی و بهره بردن در روزی خلق شده باشد پس آدمی می‌تواند در کسب معاش نیرو و استعداد های خاص خود را بکاربرد . کارهای تعاونی بصورت تقسیم کار مابین مردم درمی‌آید ، این رویه از نیازمندی مردم به تنوع وسیله کار و اسلوب‌های آن متوجه می‌شود .

بنابراین اجتماع و خلقتش عبارت از کار مشترك اعضاء برای تأمین وسایل زندگی بر اساس تقسیم کار مابین مردم است ، اتحاد مردم در اجتماع اساس تازه‌ای بوجود می‌آورد .

ابن خلدون حکومت را در اجتماع آشکارا می‌بیند ، شرایط و عوامل جغرافیائی در این مورد دل بزرگی را بهمه دارد ، ولی این عوامل درست نیست که از دیگر عوامل مقدم قراردیم ، همانطور که بعضی‌ها قرارداده‌اند . ابن خلدون اوضاع اجتماعی را بموامل طبیعی و روحی و شرایط جغرافیائی نسبت می‌دهد ، گاهی شرایط بسیار دور و درازی را در زندگی اجتماعات تأثیر می‌دهد ، تحقیقات ابن خلدون شرایط جغرافیائی را در

زندگی اجتماعی مؤثر می‌داند ، در این باره بیش از این اظهار نمی‌کند . همانطور که ابن خلدون معتقد است دانش باید منحصرأ بر قوانین طبیعی داخله اجتماع بشری گفتگو کند ، جمع شدن مردم در شهرها ، تقسیم کار تنها راه مؤثر تحول اجتماعی است .

این اصل بر شهرها و زندگی اجتماعی صادق است ، در اجتماع سطح تمدن را بالا می‌برد . ابن خلدون در اجتماع ساده خود که در آن می‌زیست تبادل اجناس را که بصورت تساوی در قیمت‌ها اجرا می‌شد مورد ملاحظه و وقت قرار داد .

از قرن‌های پیشین انسان کوشید که سر تساوی را در قیمت کالاهاى متبادله درك کند .

ارسطو اشتباه کرد که قیمت کالاها را باندازه ارزش آنها حساب نمود ، زیرا تبادل بنا بر کار و خدمت نیست ، وی درك نکرد که اساس قیمت کالا کاری است که در تهیه آن مصروف شده است .

ابن خلدونی که در شرایط دیگر زندگی کرد توانست درك نماید که کار منشأ ارزش است چنانکه گوید: « پس بدان آنچه که بانسان فایده می - رساند ، سود دهنده قیمت کارش را می‌ستاند و آن چیز جز کار چیز دیگری نیست » .

نزد ابن خلدون این شرط اقتصادی واجتماعی قرنش بود . شرط اساسی برای وجود اجتماع عرضه کردن کالای زیاد از طرف صاحبان صنایع کوچک است . ابن خلدون وجود حکومت اجتماعی را در حمایت حکومت فردی می‌داند ، همانطوری که در اجتماعات ابتدائی اساس نظم بر « عصبیت » یعنی ارتباط افراد خانواده‌ها بوده و در دست رؤسای این خاندان‌ها قرار گرفت ، همانطوری که در اجتماعات متمدنه اولی حکومت یا حاکمی که اختیاری غیر- محدود داشت در دست او قرار می‌گرفت .

این حکومت در اصل متولد از « عصبیت » بود ، زیرا مؤسس دولت- های اولیه قدرت مطلقه را در دست می‌گرفتند ، به اعتبار قوه جنگ آوری

قبیله‌هایشان .

در اجتماع متمدن بزودی «عصبیت» اهمیت خود را از دست داد ، حکمرانان پیر و نشان را با سپاهیان تبدیل کردند، همانطور که عوامل داخلی اجتماع در انحلال و تبدیل دولتها از بین می‌رود ، ولی این تبدیل صورت تحول و تطور تاریخی ندارد ، بلکه همیشه تکرار کارهای قبلی است !

ابن خلدون عوامل مؤثر در اجتماع را از جهت اقتصادی و کسب معاش تشخیص داده و می‌گوید :

بدان که اختلاف طوایف وابسته به اختلاف روش زندگی است ، زیرا اجتماع آنها بنا بر کمک در تحصیل وسائل زندگی است « اختلاف زندگی اجتماعی ناشی از اختلاف کار اقتصادی و کسب معیشت » است ، وی زندگی را تقسیم کرده است به زندگی ابتدائی و زندگی متمدن ، در زندگی ابتدائی افراد از هر صنف فعالیتشان منحصر و محدود است .

در زندگی متمدن و شهر نشینی برعکس است ، چه افراد بازرگان یا صنعت‌گران یا کارگران دیگر را تنها از نظر تنوع کار و جمع کردن کارگرها در شهر کاری انجام نمی‌دهند ، آنها نه تنها کوشش در تأمین ضروریات می‌نمایند ، بلکه کار می‌کنند تا در تهیه سرمایه بیشتری در زندگی راحت‌تری بسر برند ، این دو نوع در اصل به یکدیگر متصل اند .

ابن خلدون زندگی ابتدائی و زندگی شهر نشینی را به نظر پائین و بالای اجتماع نگاه می‌کند ، طبقه پائین یعنی ابتدائی ، نتیجه زندگی ساده است . طبقه اعلا یعنی شهر نشین نتیجه‌های گوناگون در سطح عالی زندگی است ، انتقال از طبقه پائین اجتماع به طبقه بالا در نتیجه جمع شدن کارگران در جای واحد ، انتقال صحرائنشینان به شهرها ، تحول در نتیجه‌های اقتصادی با سلوب تقسیم کار است .

این دو دوره در تشکیل سیاستها و دولتها روشن است ، اما اجتماعات تحول و تطور می‌پذیرد ، سیاست دولت وابسته بنوع ارتباط دولت و اجتماع است ، دولت عبارت از صورتی است که با محتویات مادی آن ، یعنی با

حکومت مطابقت کند و سطح زندگی اجتماعی را به طبقه بالای اجتماع برد. هدف دولت در شرایط خوب تحول حیات اجتماعی را ایجاد میکند ، پیش از هر چیز نتیجه کارها را زیاد و در تبادل آنها اقدام نماید .

در این عقیده ابن خلدون اساس سیاست دولت و هر کوتاهی را در این راه زیان به اجتماع میداند ، بدان که ستم کاری بر مردم در مالشان ، آرزوهائی که در تحصیل اکتساب اموال بکار برده اند از بین میبرد زیرا در این هنگام می بینند که نهایت آرزوها از دستشان به یغما رفت ، هنگامی که آرزو در اکتساب به تحصیل مال از بین برود دستشان بسته است آنگاه از کوشش باز ماندند .

برطبق این نظریه درخواستهای زیر در سیاست دولت موجود است :

- ۱- حمایت فرد و مالکیت فردی .
- ۲- تخفیف مالیاتها .
- ۳- الغاء احتکار دولت نسبت به امور بازرگانی :
- ۴- عدم تجاوز به مالکیت ارضی .
- ۵- الغاء بردگی و بندگی .
- ۶- پیروی از سیاست صلح جویانه و داشتن علاقه و همسایگی و همجواری .

اینها اساس نظریه اجتماعی ابن خلدون است ، وی از عصر خود سبقت گرفته ، با نبوغی که داشته به اساس اجتماع و آنچه که مورد درخواست مردم در عقاید آینده بود بازگو کرده و گفته است .

- ۱- کار مفید اساس حیات اجتماعی است .
- ۲- کار اساس و پایه برای ارزش و قیمت است .
- ۳- بوجود آوردن کالاهای زاید از مصرف یکی از پایه های پیشرفت اجتماعی است .

ولی او نتوانست به نیروی کارگری که در شرایط تاریخی موجب تحول اجتماعی است راه یابد ، وی از مبدأ درستی بحث مینماید ، هنگامی

که میگوید :

اجتماع مردم برای ارضاء حاجتی در تلاش هستند ، آن عبارت از گذران زندگی است ، آنان این کار را پس از تأمین ضروریات برای ازدیاد کمال و رسیدن به زندگی بهتر انجام میدهند

عقیده ابن خلدون محصول تجربیات علمی بود که در قرن‌ها و اعصار فلسفه اسلامی و تاریخ و فقه آن زمانها بوجود آمده بود .

ابن خلدون بهترین نمونه فلسفه علمی و بهترین خلف ابن رشد بشمار میرفت ، وی سطح فکر فلسفی را به پایه بالارسانید.

در فلسفه و تاریخ اسلامی اساسی را برای تدریس زندگی اجتماعی وضع نمود ، « مقدمه » آن تجربه های فنی مؤلف در سیاست نظری و علمی معنی پیشوائی دلالت دارد .

مهمترین مظهر زندگی سیاسی در مغرب در قرن چهاردهم تحول شهر- های ساحلی بود، در این شهرها سرعت محصول کارخانه‌های نساجی و استخراج معادن ، روغن زیتون ، صنعت سفال نمو کرد ، باهمه کمبود سورتی که در دست است بسیاری از این کالاها بازار محلی آفریقا را فرا گرفت ، نمو صنعت‌ها در شهرها مظهري از خرید و فروش در مغرب زمین بود .

چیزی که در مصرف کالاهای زراعی و حیوانی امکان مطالعه میدهد ، وضع اقتصادی سرمایه‌داری است که در قرن چهاردهم در مرکز تجارت و صناعت ایتالیا نشوونما کرد و نه تنها در ایتالیا مؤثر بود بلکه در دیگر مراکز بندری نیز تأثیر داشت .

تجارت دریایی برای شهرهای ساحلی ایتالیا در قرن چهاردهم نسبت به قرنهای گذشته وسعت یافت ، همچنین شهرهای ایتالیا با شهرهای دیگر ساحلی مانند اسکندریه ، قسطنطنیه و شهرهای جنوب فرانسه مرکز مهم ارتباط بازرگانی گشت . و بازار وسیعی برای بالا بردن محصول کارخانه‌ها بوجود آمد .

تأسیس دیگر کارخانه های بزرگ در ایتالیا به پیروی از اینها بود

و میتوان این بازار را يك بازار جهانی نامید که سبب بوجود آمدن سرمایه‌داری تازه گردید .

سرزمین مغرب بخصوص آفریقا یعنی تونس باشهرهای ساحلی در این بازار در دو قرن دوازده و سیزدهم جاهای مهمی بحساب می‌آمدند ، در اواخر قرن سیزدهم تجارت منظمی با تجارت بزرگ ایتالیا وجنوب فرانسه ارتباط برقرار کردند ، این بازرگانی با اروپا اسلوب زندگی « بربری » را در مغرب زمین دگرگون ساخت ، این معنی ارتباط ، باتأسیس کارخانه‌های سرمایه‌داری منسوجات پشمی در ایتالیا بخصوص در فلورانس در قرن چهاردهم رابطه پیدا کرد .

بالتیجه منسوجات پشمی در فلورانس به اندازه‌ای رسید که بیست یاسی برابر کارخانه‌های دیگر محصول داد ، در ایتالیا حاجت زیادی به مواد اولیه پیدا شد ، پشم گوسفندهای ایتالیایی از نوعی پست بود که مناسب با کالا های صادراتی نبود ، پشم در اولین قلم ستون واردات شهر های ایتالیایی قرار گرفت ، صادر کنندگان پشم ایتالیا ، انگلیس ، تونس بودند ، پشم بهترین مواد صادره از مغرب زمین بود ، پشم و روغن زیتون آفریقا نه تنها به اروپا صادر میشد ، بلکه به مصر ، جزیره العرب ، ایتالیا ، فرانسه نیز صادر میگردد .

سدورپنبه ، کتان ، آهن ، شکر ، شمع نیز رقوم مهمی بود که به بندقیه « بیزانس » فرستاده میشد .

هنگامی که مغرب‌زمین کالای زراعتی و حیوانی اروپارا مصرف می‌کرد ، تونس ازقماش ، مواد معدنی ، اسلحه ، مواد اولیه برای صنایع خود استفاده میکرد .

در قرن چهاردهم مغرب زمین مرکز مهم تجارت بشمار میرفت ، در این وقت در تونس تغییرات مهم اجتماعی ظهور یافت ، حکومت خانواده‌ها تغییر یافت ، دوره اول طبقه اول حاکمه در تونس مشمول خاندان‌های اشرافی بود قبیله‌های بزرگی را به جنگ تجهیز کرده بودند این خاندان‌های اشرافی در

حکومت نفوذ پیدا کردند « ۱۲۲۸-۱۵۷۴ » .

در قرن سیزدهم مظهر دیگری برای حکومت در شهرها پیدا شد که نه تنها تأثیر زیاد بر قبیله‌ها و تملیک املاک و اگذاری ننمود بلکه به کارهای بازرگانی دریائی پرداختند

اوضاع و احوال اقتصادی آنها رفته رفته خوب شد خصوصاً برای بازرگانان فرش ، هرچه نفوذ تونس در امور بازرگانی آفریقائی زیاد گشت ارتباط حکام و قدرت آنها در شهرها افزون گردید .

ابن خلدون از این مردم اندلس بود که به مغرب زمین آمده بود ، اشرافیت اندلسی تنها وابسته به قبیله‌ها و مالکیت زمینها نبود ، آنها آسودگی خود را در خدمت بدولت و استفاده از سود بازرگانی بنا نهادند ، در برابر قدرت بزرگان قبیله که وحدت اقطار مغرب زمین را همیشه پاره میکردند ایستادگی کردند .

اندلسی‌ها اشرافیت نوینی را جای‌گزین اشرافیت پیشین نمودند ، در قرن سیزدهم و چهاردهم نبرد ما بین اندلسی‌ها و بزرگان قبیله‌ها صفحات تاریخ را پر کرد .

نخستین هدف این اشرافیت تازه رسیدن به سیاست اقتصادی و اداری بود که امور بازرگانی را بی‌اندازه توسعه دهد ، این هدف در گفتار ابن - خلدون که بهترین نمونه اشرافیت تازه بود آشکار شد . همچنین سخنان تازه در بهبودی اوضاع و احوال ساکنان شهرها در رسیدن به اندیشه‌های انسانی پیدا شد ، و نیز در عقیده ابن خلدون تعبیرهای تازه‌ای می‌یابیم که از اجتماع زمان خود جلو افتاد ، وی مولود تحول اجتماعی گشت که در نبرد مابین پیشروان و پس افتادگان شهر قرار گرفت .